

تأملی بر نقش «گردشگری» در احیای تمدن نوین اسلامی

تأملی بر نقش «گردشگری» در احیای تمدن نوین اسلامی

دکتر محمد خطیب و حسین ساعدی

عضو هیأت تدریس دانشکده باستان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

استاد و مدرس گروه معارف دانشگاه علمی کاربردی لوله سازی اهواز، ایران

چکیده:

با ظهور اسلام و پیشرفت و گسترش آن، به تدریج تمدنی پدید آمد، که امروزه بنام تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان مشهور است. ناگفته پیداست مدنیت و تمدن در روح اسلام جاری است و این دین آن گاه که ظاهر شد مدنیت خویش را در مدینه و سپس در اطراف و اکناف جهان آشکار ساخت. در واقع، تمدن نوین اسلامی همان احیای تمدن اسلامی است که اوج شکوفایی آن در سده چهارم هجری بود و با عنوان «رنسانس اسلامی» شناخته میشود. در این راستا، بررسی ابعاد نظری گفتمان در حال شکل گیری تمدن نوین اسلامی و استخراج الگوهای مبتنی بر عقلانیت، علاوه بر تقویت پشتوانه ی نظری و کمک به گفتمان سازی، برای نمایش گذراندن آن در معرض اندیشه ها، امری مهم و در خور توجه است، که «گردشگری اسلامی» به عنوان «ایده قوام بخش» و مورد اهتمام تحقیق حاضر، میتواند راهبردی کاربردی برای تحقق این امر باشد. نتیجه تحقیق، اذعان دارد تمدن نوین اسلامی بر آن است تا با بهره گیری از آموزه های دینی و همچنین بهره مندی از دستاوردهای تمدن بشری، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه های تمدن

مدني را برداشته باشد، لذا بديهي است راهبرد اوليه در اين راستا آشنائي با ذات تمدن اسلامي است و رهگذر «گردشگري اسلامي» عملياتي ترين ايده و اهمرمنتيجه بخش و هدفمند آن به شمار ميآيد.

کلیدواژه ها: تمدن اسلامي، احيا، گردشگري، ايده ها، راهبردها

A reflection on the »Tourism« Role in Rebirth of New Islamic Civilization

Dr. Mohammad Khatib*

Hussein Saedi**

*Member of Archaeology Faculty in Shahid Chamran University of Ahvaz

** Lecturer of Islam Sciences in Ahvaz Pipe Industrial Company's University of Applied
Science & Technology

ABSTRACT

With rise and development of Islam, there gradually appeared a civilization which is now known as Islamic civilization. Needless to say, the civilization was in Islam in spirit and it is affirmed when the Islam first confirmed its civilization in Medina and then it was revealed around the world. in fact, the new Islamic civilization was a variant of rebirth of Islamic civilization where it was flourished in the fourth century H.A known as» Islamic Renaissance«. In this direction, a study of the forming theoretical discourses' aspects of the new Islamic civilization and extracting the rational-based patterns, in addition to boost a supportive theory and discourse making to introduce it to the schools of

thoughts, would be important. The purpose of the present study is to introduce the »Islamic Tourism« as a »Constitutive Idea« in order to make this strategy actual. The results indicate that the new Islamic civilization is to use the Islamic teachings as well as the achievements of humans to create a new civilization that covers all the civilizing aspects. Therefore, it is clear that the primary strategy is to understand the Islamic civilization inherently and the Islamic Tourism would be the most practical and promising idea in this direction.

Keywords: Islamic civilization, rebirth, tourism, ideas, strategies

مقدمة

تمدن اسلامي با بعثت پیامبر شروع شد و با دستاوردهای مختلفی که در زمینه های گوناگون به دست آورد، توانست جایگاه والایی به خود اختصاص دهد، اما به مرور زمان و با گذشت چندین قرن دچار رکود شد. ناگفته پیداست آنچه که تمدن اسلام را به پیشرفت رساند توجه به تمام جنبه های مادی و معنوی بشر بود که به مرور زمان کم رنگ شد.

همچنین چنانچه روشن است سخن از تمدن نوین اسلامی قطعاً نمی تواند به معنای ایجاد یک تمدن نوین باشد. اگر واضعان این اصطلاح، پی ریزی تمدنی جدید را پی میجویند مسلماً خطا میکنند زیرا مدنیت و تمدن در روح اسلام جاری است و این دین آن گاه که ظاهر شد مدنیت خویش را در مدینه و سپس در اطراف و اکناف جهان آشکار ساخت. بنابراین آنچه ذاتی اسلام است و خود بیش از پیروانش، در پی تجلی ظهور و تحقق آن است نمی تواند به عنوان جعل و وضعی نوین مورد توجه قرار گیرد.

اما میتوان از ویرایش، نوسازی، بازسازی یا احیاء یک تمدن سخن گفت. همچنان که بنای یک عمارت

شکوهمند بر اثر مرور زمان سست میشود، تمدن‌ها نیز بر اثر عوامل مختلف مستحضره زمان رو به فرسودگي ميروند، اما در همه اعصار و ادوار يك فرهنگ و تمدن، هستند معماران و سازندگان و اندیشمندان که ساختارها را با «نو کردن ایده‌ها» قوام میبخشند.

در این میان نقش «گردشگري اسلامي» به عنوان ایده اي نو و کاربردي نقشي تعیین کننده و بسیار تأثیرگذار است. نه صرفاً بدلیل جذابیت هاي ذاتي سفر، بلکه به دلیل «اهمیت شگرف و عظیمي» که امروزه در ظهور و قوام تمدن‌ها ایفا میکند.

اگر تا دیروز، گردشگري به معنای عام، تجلي زیبایی شناختي در قالب و فرم صرفاً گذرانی و ذوق پسند بود اینک خود، جزء مهم و بنیادی يك فرهنگ و تمدن محسوب میشود. بنابراین نقش و کارکرد گردشگري در جوامع امروزي چنانکه اشاره کردیم نقشي است سرنوشت ساز و تعیین کننده. نقشي که هم با تمدن‌هاي دیروز نسبت دارد و هم با تمدن‌هاي فردا.

تعمق در معنا و کارکرد آن نشان میدهد، بدون تردید سند ماندگاري و پایداری و توسعه تمدن‌هاي گذشته و برنامه اي برای تمدن‌هاي آینده است. در این میان نقش و کارکرد تمدني گردشگري در جهان اسلام یا همان «گردشگري اسلامي» ویژه و منحصر به فرد است.

دوران تمدن اسلام

دوران شکوفایي تمدن اسلام از قرن دوم آغاز و تا قرن دوازدهم ادامه دارد و در این مدت، فرازونشيب‌هاي بسياري داشته است. عظمت تمدن و فرهنگ يك ملتي با توجه به نکته‌هاي گوناگون و بررسی مسائل مختلف روشن میشود: گسترش سرزمین، ثروت، فرهنگ، آثار معماری و هنري، پیشرفت در دانش‌هاي گوناگون، ادبیات، صنعت و ابزارها و مراکز علمي مانند: آموزشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، گروه‌ها، مقامات دولتي و علمي (دانشمندان)، وضعیت اداری، سياسي، قضائي، اقتصادي، وضعیت اجتماعي اقوام مختلف اندیشه‌هاي گوناگون مذهبي و اقلیتهای ديني، آسایش عمومي، وضعیت حقوقي زنان، آداب و رسوم اجتماعي در سطوح مختلف و بررسی عوامل و علل رواج آن به گونه اي که به صورت فرهنگ درآمده

گردشگری نیز، از ویژگی‌های مهم تمدن است که هم با آموزش دانش‌ها و تبادل دیدگاه‌ها و هم با رشد اقتصادی و امنیت اجتماعی در پیوند است.

با ویژگی‌هایی که یاد شد درخشان‌ترین دوران تمدن اسلام را قرن چهارم دانسته‌اند و به تحلیل و بررسی‌گزاره‌های آن پرداخته‌اند. در این زمان، سرزمین اسلام از نظر وسعت و گستره از هند تا اندلس و از دربند قفقاز تا زنگبار در آفریقا بوده (1) که در قرن‌های بعد گسترش یافته است. در قرن چهارم حکومت‌های محلی نیز سر بر آوردند و در کاروان تمدن اسلام شریک شدند؛ اما آنچه مهم مینمود و لازمه یک تمدن بزرگ به شمار می‌رود، وحدت ایجاد شده (2) بر پایه اسلام بود که بر همه جا سایه گسترانده بود و دانشمندان، مورد احترام تمام حکومت‌های منطقه‌ای بودند و گردش در تمام شهرها و یا جامعه‌های اسلامی برای آنان میسر بود و گونه‌ای رقابت در جذب دانشمندان بین حکمرانان مناطق کشور اسلامی احساس می‌شد. البته در مواردی دانشمندان از آسیب در امان نبودند و برای حفظ جان خویش ناچار به سفر بودند. این دوران طلایی (قرن چهارم) به مرور رو به رکود نهاد. عوامل خارجی و داخلی چندی در آن رکود نقش داشت. سخن ما از گردشگری در تمدن اسلامی در محدوده قرن دوم تا قرن دوازدهم است که شماری از مسلمانان و گروهی از غربیان به گردشگری در جهان اسلام و دنیا پرداخته‌اند، دورانی که با فراز و نشیب‌هایی که داشت، میتوان، آن را دوره تمدن اسلام نامید.

گردشگری در اسلام

قرآن کریم، در بیش از شش آیه فرمان به سیر در زمین می‌دهد (3) و در بیش از هفت آیه به گونه استفهام، به سیر در زمین فرا میخواند (4) تا آثار گذشتگان دیده شود و افراد از آن عبرت گیرند. در سوره عنکبوت دستور به سیر می‌دهد برای آگاهی از چگونگی و آفرینش و در آیه دیگری سیر را برای خردورزی در مسائل و آگاهی از وضعیت گذشتگان مطرح می‌سازد (5) و در آیه‌ای دیگر برای آگاهی از سنت‌های گذشتگان، سیر را واجب میدانند و آن را توضیح و بیانیه‌ای برای مردم و سبب هدایت پارسایان می‌شمارد:

«قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین هذا بیان للناس و هدی

پیش از شما سنت هایی وجود داشت [و هر قوم برابر رفتار و صفات خود سرنوشت هایی داشتند که همانند آن را شما نیز دارید] پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود؟ این بیانی است برای عموم مردم و هدایت و اندرزی است برای پرهیزکاران.

و همین تشویق ها و آیات و روایاتی که در تشویق به علم آموزی وارد شده است، در ایجاد روحیه جست و جوگری در میان مسلمانان نقش داشت و آنان، برای گسترش علم و دانش و آگاهی از اوضاع جهان در مناطق گوناگون به گردشگری میپرداختند و یا خلیفه گروه هایی را برای تحقیق درباره رخدادهای تاریخی که در قرآن آمده، اعزام میکرد. خلیفه عباسی واثق بالله (حکومت 227 تا 232/هـ 842 تا 848 م.) محمد بن موسی خوارزمی (م: 205) ستاره شناس معروف و مسؤول کتابخانه دارالحکمه مامون (7) را برای تحقیق درباره اصحاب کهف به روم فرستاد. (8)

و همان خلیفه، سلام ترجمان را که گفته اند: به سی زبان سخن میگفته، همراه با کاروانی مجهز به آذوقه یکسال، به منطقه ارمنستان و خزر فرستاد تا درباره سد یاجوج و ماجوج به تحقیق بپردازد. (9) و همین علاقه به تحقیق و جستجو، دانشمندان را به سفرها و رحله های علمی سوق میداد و شماری نیز به گردشگری میپرداختند. گردشگران مسلمان با دقت و تحقیقی که در مناطق گوناگون جهان داشتند، توانستند کتاب هایی در باب تاریخ و جغرافیا و شگفتی های جهان به جای بگذارند و گزارش دقیق از فاصله شهرها، موقعیت آنها، مراکز مهم و دیدنی به جای مانده از گذشتگان و نکته های شگفت انگیز ارائه دهند و در مردم شناسی و گزارش آداب و رسوم نژادهای گوناگون، موفق باشند. با وحدت نسبی که بر دنیای اسلام حکمفرما بود، به نظر میرسد، محدودیتی برای گردش و سفر وجود نداشته و اگر پدیده ای رخ میداده، تنها بر اثر ناآرامی منطقه ای بوده است و گرنه سیاحان و دانشمندان از منزلت بالایی نزد مردم و حاکمان برخوردار بودند و رمز تقدیم کتاب ها به حکام و رهبران سیاسی، از این تشویق ها و ارزش گذاری ها نشأت میگرفته است.

نقش گردشگری در تمدن اسلام

بی گمان، گردشگری در ایجاد تمدن ها و رشد آن نقش اساسی دارد. شماری از صاحب نظران بر این

باورند که هجرت لازمه یک تمدن است و نخستین تمدن های بزرگ که در بین النهرین به وجود آمده از مهاجرت آرامی ها به بین النهرین سرچشمه گرفته است. (10) هجرت وقتی تمدن ساز است که با هدف و انگیزه ای عالی همراه باشد. دریافت آثار پیشینیان و بهره وری از آنها با هجرت و گردشگری هدف مند، ممکن میشود. سفر آنان که نقش آفریده اند به مراکز علمی برای دستیابی به کتاب های پیشینیان و نسخه های خطی و بهره مندی از علم دانشمندان انجام میپذیرفته است. بسیاری از دانشمندان کتاب های خود را در سفر نگاشته اند. ابن سینا بخش های منطق، مجسطی، اقلیدس، ریاضیات، موسیقی کتاب شفا را در اصفهان به پایان رساند کتاب الانصاف خود را نیز در اصفهان نوشت. (11)

شهر بصره و کوفه از سابقه علمی برخوردار بودند، ولی با رونق شهر بغداد که مرکز خلافت اسلامی بود، این شهر مرکزیت علمی یافت و در آن جا تمام کتاب های پیشینیان مورد توجه قرار گرفت و به عربی ترجمه شد. از باب نمونه «اثولوجیا» افلوپین به دستور معتصم عباسی توسط عبدالمسیح بن عبدالمعین بن ناعمه حمصی و با نظارت ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (م: 258/871م.) به عربی ترجمه شد.

دانشمندان و طالبان علم از سرتاسر جهان اسلام به بغداد میآمده اند. خطیب بغدادی در کتاب تاریخ خود که شرح حال دانشمندان و بزرگان وارد در بغداد را تا سال 463ه/1071م. نگاشته، زندگی نامه 7799 تن دانشمند مرد و 32 تن دانشمند زن را یاد کرده است. (12)

دانشمندی مسلمان درباره نقش سفرهای علمی در باروری علم و تمدن در اسپانیا مینویسد:

«سفر از اندلس به سوی شرق در میان دانشمندان رواج بسیار داشت؛ زیرا که جریان تمدن ساز همواره از مرکز به سمت نقاط کم فرهنگ تر روان میشود. اندلس در آغاز بر علوم شرقی بسیار تکیه میکرد و آنها را همچون سرمنشا و اساس شناخت خود میشمرد. به همین دلیل مسافرت عامل تقویت و تایید پیوند میان دو طرف شد و به زندگی علمی و فرهنگی اندلس امکان رشد و توسعه داد. این مسافرت ها به اندلس امکان دادند تا از صورت کشور به نسله عقب مانده و وابسته به مشرق، به صورت رقیب و گاهی بالاتر از آن درآید.» (13)

لازم به یادآوری است که دیدن و گزارش پیشرفت های دیگران، آن گاه در ترقی ملتی اثر دارد که خود را باور کرده باشند و به استعداد و توانایی خود اعتقاد داشته باشند. در غیر آن، این آگاهی ها زمینه جذب و وابستگی به بیگانگان را فراهم میسازد و اصل خویش را از یاد خواهند برد که در ادامه به نمونه هایی از آن اشاره خواهد شد. این گردش ها علاوه بر انتقال علوم، در ایجاد پیوند و دوستی

بین ملت ها و انتقال فرهنگ و آداب و رسوم پسندیده به دیگر منطقه ها، دادوستدهای اقتصادی و تجاری و یادگیری مهارتها و معماریها نقش داشته است.

آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» درباره سفرنامه ها و فایده و نتیجه های آنها در بالا بردن پایه های علمی جامعه، مینویسد:

«رحله یا سفرنامه، به کتابی گفته میشود که نویسنده آنچه را در شهر یا شهرهایی که به آن جا سفر کرده از اخبار مردم، عقائد، آداب و رسم های آنان، در زندگی و مرگ دیده و شنیده گردآورده است یا در آن کتاب، گزارش سفر دیگری را ارائه کرده است. در گذشته این گونه کتاب ها اثر فراوانی در بالا بردن اندیشه های ملتها داشته است؛ زیرا آمیختگی فرهنگ ها، راه را برای نرم کردن و مهربانی و مهرورزی های بشری فراهم میسازد. کمی وسیله های نقلیه و سختی سفر در گذشته، مهم ترین بازدارنده در این راه بوده است. به گونه ای که اگر کسی اقدام به مسافرت طولانی میکرد و به شهرهای دور میرفت، مردی شجاع و قهرمان و آگاه و با تجربه شناخته میشد. ولی سختی ها مانع حرکت تاریخ به جلو نشد. در طول زمان مردان جهانگرد و گردشگری پیدا شدند که مشهور شدند و به مناطق دور دست، سفر کردند و اطلاعاتی را جمع و فراهم کرده و آنچه در سفرها دیدند نگاشتند.» (14)

به طور معمول گردشگران موفق کسانی بودند که از سفرنامه های پیشینیان بهره میبردند و با استفاده از مطالب آنها به کامل کردن اطلاعات خویش میپرداختند و بیش تر آنان را افراد با انگیزه و دانشمند تشکیل میداد.

اوج و فرود گردشگری در جهان اسلام

با دقت در سفرنامه هایی که به جای مانده به این نتیجه میرسیم که آنچه از قرن سوم تا قرن هفتم وجود دارد، سیاحت مسلمانان است به کشورهای خاورمیانه و خاور دور، مانند: ژاپن و آفریقا و اروپا. گردشگران مسلمان گزارش سفر خویش را در کتاب های جغرافیائی و یا در تحقیقات تاریخی و عقیدتی ارائه داده اند. و در این دوران خبری از رفت و آمد سیاحان اروپایی و مردمان غرب مسیحی نیست. و گویا آنان هیچ گونه ای علاقه ای به گردشگری نداشته اند. گاه گاهی به یک گردشگر و تاجر یهودی غربی در بلاد شرق بر میخوریم. از قرن هشتم به بعد، بویژه در قرن دهم میبینیم که جریان

گردشگری به طور دقیق به عکس جریان یافته است. گردشگران مهم را غربیان تشکیل می‌دهند که به سرزمینهای شرق روی آورده و گزارش‌های گوناگونی از آداب، میراث فرهنگی، شیوه‌های حکومتی، اجناس و محصولات شهرهای اسلامی داده‌اند و خبری از گردشگران مسلمان نیست و یا اگر رحله‌هایی وجود دارد، در محدوده سفر حج و از منطقه‌ای اسلامی به منطقه‌ای دیگر است. در این مقطع کم‌تر کسی با سیاح مسلمان در مغرب زمین برخورد می‌کند. در این دوران سفرنامه نویسی و گردشگری در اختیار گردشگران غربی است و در دنیای اسلام علاقه‌ای به آن دیده نمی‌شود. رمز این تغییر و دگرگونی چیست؟ چرا کسانی که علاقه‌ای به گردشگری نداشتند، به حرکت و تکاپو می‌افتند و مردمانی که در دوران سخت دنیا را می‌پیمودند بی‌تمایل به سفر میشوند؟ به نظر می‌رسد که علت عمده این تغییر با رشد اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ها بستگی دارد. زمانی که دنیای اسلام و جهان شرق، پرچمدار تمدن و پیشرفت بودند و برای دستیابی به حقائق و علوم تلاش می‌کردند. گردشگری در شرق از رونق بالایی برخوردار بود و سیر و سیاحت در اختیار مشرقیان مسلمان؛ زیرا هم از تواناییهای مادی لازم برخوردار بودند و هم به کسب دانش و نشر آن اهمیت میدادند و هم دانشمندان جامعه از ارزش بالایی برخوردار بودند. در آن زمان دنیای غرب مسیحی دوران تاریک قرون وسطی را می‌پیمود و مردمان آن از آگاهی‌های علمی بی‌بهره بودند و از جهت فرهنگی و اقتصادی دوران نکبت و سیاهی را می‌گذراندند. از این روی، جایی برای سیر و سیاحت در اندیشه آنان نبود. آن زمان که دنیای غرب راه پیشرفت را در پیش گرفت، سیر و سیاحت فرنگیان به دنیای شرق آغاز شد.

آنچه مسلم است کسی میتواند گردشگر شود که از تواناییهای مادی کافی برخوردار باشد چه آن ابزار را دولت در اختیار او قرار دهد و یا خود از ثروت کافی بهره‌مند باشد و یا این که با تجارت و کار، سفرهای خویش را ادامه دهد و یا مانند عرفا و متصوفه کشکول به دست سرزمین‌ها را درنوردد. امروز نیز، جریان گردشگری از غرب به شرق، رونق بیش‌تری دارد و این ناشی از توسعه و پیشرفت علمی و توان اقتصادی آنهاست؛ چرا که دنیای اسلام هنوز به مرحله رشد کافی نرسیده و خود باوری کامل را در نیافته است.

انگیزه‌های جهان‌نگردان مسلمان

گردشگری در تمدن اسلامی، به انگیزه‌های گوناگونی انجام می‌پذیرفت و افراد را از خانه و وطن، به سرتاسر جهان میکشاند و به ترک اقوام و نزدیکان تشویق میکرد که به مهم‌ترین آنها اشاره میشود:

1. کسب دانش: علاقه به دانش انسان را به حرکت و هجرت وا میدارد. آوازه مراکز علمی بزرگ و شخصیت‌های ساکن در شهرهای گوناگون، اشخاص را به تکاپو و حرکت فرا میخواند. بسیاری از شخصیت‌های فرهیخته علمی کسانی هستند که در پی فراگیری دانش به سیر و سفر پرداخته اند و این مهم در تمام رشته های علوم اسلامی شواهد و مدارک دارد.

نهضتی که در قرن دوم و سوم هجری برای گردآوری حدیث ایجاد شده بود، افراد علاقه مند را وادار ساخت که به گردشگری برای ثبت و اندوختن حدیث بپردازند. شیخ صدوق (م: 381/هـ/1002م.) سفر خود را برای گردآوری حدیث از رجب سال 339/هـ/950م تا سال 347/هـ/985م. ادامه داد. او از قم و ری به مشهد رفت و در شهرهای نیشابور، مرو، بغداد، کوفه، مکه، فید، همدان، بلخ، سرخس، ایلاق، سمرقند و فرغانه به گردآوری حدیث پرداخته (15) و کتابهای مفیدی مانند: من لایحضره الفقیه، عیون الاخبار، علل الشرایع، معانی الاخبار، توحید، خصال و ثواب الاعمال، با باب بندی و موضوعات ابتکاری را نگاشته است.

ابن عساکر (م: 571/هـ/1176م.) صاحب کتاب گرانسنگ تاریخ دمشق، اهتمام زیادی به کسب حدیث داشت. وی، در این کتاب، شرح حال تمام کسانی را که از اول اسلام تا زمان وی به شهر دمشق آمده بودند نگاشته و دو سفر علمی به نقاط مختلف دنیای اسلام داشته است.

سفر اول: نخست به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه و دیگر حوزه های علمیه آن شهر حدیث شنید، فقه و خلاف و نحو آموخت. در سال 521/هـ/1117م. به مکه رفت و در مکه و مدینه از کسان بسیاری حدیث شنید. در بازگشت از مکه 525/هـ/1131م. در بغداد ماند. در خلال 5 سالی که در بغداد بود از شهرهای کوفه، موصل، رجب، دیار بکر و جزیره دیدار کرد و با محدثان و حافظان حدیث گفت و شنید. سپس به دمشق بازگشت و ازدواج کرد.

سفر دوم: ابن عساکر در 529/هـ/1135م. به قصد خراسان و از راه آذربایجان حرکت کرد. در این سفر با سمعانی صاحب انساب در مرو دیدار کرد و همراه او به نیشابور و هرات رفت. در این سفر 4 ساله در نیشابور، مرو، مزار، سرخس، ابیورد، طوس، بسطام، بیهق، دامغان، زنجان، تبریز، ری، اصفهان، حلوان و همدان حدیث گفت و شنید. شمار اساتید او را در حدیث بالغ بر 1300 مرد و بیش از 80 زن نوشته اند. (16)

او کتاب «الاربعة البلدانیه» را در این سفر نگاشت که چهل حدیث در چهل مکان، در چهل موضوع از چهل محدث، شنیده بود.

این دو نمونه ای از محدثان شیعه و اهل سنت بود که به آن اشارت شد.

برای فراگیری دانش فقه نیز بسیاری از فرهیختگان به گردشگری پرداختند و سرزمین های گوناگون را در نور دیدند، تا از محضر بزرگان بهره برند. از جمله شافعی بود که هم در عراق و حجاز بوده و هم در مصر به سر برده است. علامه حلی، شهید اول و ثانی، کراچی و شیخ بهائی را میتوان از دانشمندان شیعه به عنوان نمونه معرفی کرد. سفرهای علمای شیعه سبب آگاهی آنان از آرای فقهی اهل سنت و ارائه دیدگاههای نو میشد؛ از این روست که دیدگاه های علامه حلی و دو شهید از برجستگی خاصی برخوردار است و فروعهای بیش تری را مطرح کرده اند.

در دانش عرفان بزرگان صوفیه برای کسب معنویت و بهره بردن از محضر بزرگان به گردشگری میپرداختند و این امر در میان عرفا از ویژگی خاصی برخوردار است. حلاج (م: 309ه/ 922م.) ابن عربی (م: 638ه/ 1241م.) مولوی (م: 670ه/ 1271م.) نسفی (م: 616ه/ 1219م.) مؤلف المصباح فی التصوف و... بارها به سیاحت پرداخته اند. آنان افزون بر فراگیری دانش به نشر اندیشه خویش در این سفرها دست میزدند و مریدان دلباخته ای را با خود همراه میساختند. (17) در علوم دیگر نیز، این گردشگری معمول بود پختگی اندیشه های افرادی مانند: بوعلی و سعدی از سفرهایی نشأت میگیرد که در آن به تجربه اندوزی پرداخته اند.

2. تبلیغ: تبلیغ و نشر اندیشه اسلامی یکی دیگر از انگیزه های گردشگران مسلمان بود. برخی از سفرنامه نویسان انگیزه سفر خویش را نشر احکام دینی دانسته اند.

احمد بن فضلان بن عباس بن راشد، از گردشگرانی است که هدف اصلی خویش را تبلیغ و آشنا ساختن مردم بلغار با اسلام معرفی کرده است. وی در صفر 309ه/ 921م. همراه گروهی به عنوان فرستاده خلیفه عباسی المقتدر با، به جانب بلغارستان حرکت کرد. علت این ماموریت این بود که پادشاه بلغار و مردمش در ایام المقتدر، مسلمان شدند و او نماینده ای را نزد خلیفه فرستاد و از او خواست کسی را بفرستد تا به آنان نماز و احکام دینی بیاموزد. برای آنها مسجد بسازد و منبری نصب کند، تا در تمام شهرها و اقطار مملکت، اسلام را معرفی کنند و خود را از پادشاهان مخالف حفظ کند. (18)

یا قوت حموی مینویسد: از چگونگی اسلام آنها اطلاعی ندارد و فقط اطلاعات وی از رساله ابن فضلان است. (19) یا قوت از این سفرنامه در معرفی شهرهای: خوارزم، باشگرد، بلغار، اتل، روس و خزر، استفاده کرده است. بارتولد: معتقد است ایتخت بلغارها که ابن فضلان به آن جا رفته، نزدیک روستای کنونی

از دیگر جهانگردان شیخ احمد قمی است. وی، در سال 922ه/543م. در قم متولد شد و در زمان حکومت صفویه که گروه هایی از طلاب و روحانیون ایرانی همراه تجار و گردشگران علاقه مند برای تبلیغ و تجارت به سوی دیگر کشورها میرفتند، شیخ احمد قمی نیز به سیام (تایلند) رفت و ده سال به تبلیغ پرداخت و در شهر آیوتایا شهرت زیادی پیدا کرد و شماری را مسلمان کرد و با خانمی از خانواده های بزرگ و سرشناس آن جا ازدواج کرد. تبار وی هم اکنون مسلمانان تایلند را تشکیل میدهند و در سال 1385ه/1965م. سنگ قبر وی مشخص شد و یکی از نوادگان او به نام احمد، همراه با دیگر نوادگانش که شماری بودایی نیز هستند، مقبره ای برای وی ساختند. (21)

به نظر میرسد که ارتباط دربار صفویه با سیام و منطقه تایلند، زیاد بوده است. در سال 1096ه/1685م. محمد ربیع بن محمد ابراهیم به عنوان واقعه نویس همراه با هیاتی به سرپرستی محمد حسین بیک به سوی سیام رفت. محمد ربیع سفرنامه خود را به نام «سفینه سلیمانی» نگاشت و گزارش نسبتاً خوبی ارائه داد. (22)

مسلمانان اندونزی اسلام خود را مرهون دو گردشگرتاجر عرب ایرانی نژاد، به نامهای: عبداﷻ عریف و برهان الدین شاگرد وی، بودند که از بارزگانان مقیم گجرات هند به شمار میرفتند. (23) بنابراین، تبلیغ اسلامی یکی از انگیزه های گردشگران مسلمان و تاجران مؤمن بوده است.

3. آشنایی با جهان: شماری از سیاحان مسلمان درصدد بودند با سرزمینهای مختلف آشنا شوند و از آغاز سفر خویش نیز در پی آگاهی و اطلاع از وضعیت شهرها، آداب و رسوم و شگفتی های تاریخی و منطقه ای بودند و در ضمن از فراگیری دانش و آشنایی با دانشمندان بزرگ غافل نبودند. اینان دست آوردهای سفر خویش را در گزارش رخدادهای خلاصه نمی کردند، بلکه با استفاده از آن به نگارش تاریخ و جغرافیا دست میزدند و یا به روشنگری مسائل علمی میپرداختند.

4. مأموریت رسمی: گروهی از جهانگردان، سفیران و نمایندگان دولت ها و حکومتهای دینی بودند که به سرزمین های دیگر اعزام میشدند. آنان در ضمن انجام مأموریت خاطرات خود را مینگاشتند و به تشریح وضعیت اجتماعی مردم آن منطقه ها و سرزمین ها و آداب و رسوم آنان میپرداختند. سفرنامه ابو دلف در یک مأموریت رسمی نگاشته شده است.

در این راستا، آثار گردشگران مسلمان را میتوان به 2 دسته کلی «سفرنامه ها» و «دیگر آثار» تقسیم کرد. گونه دوم آثار را گردشگران مسلمان در هنگام سفر و یا پس از آن در زمینه های گوناگون نوشته اند که از جهاتی از سفرنامه ها مهم تر است؛ زیرا موضوع خاصی را تحقیق میکردند و بر گزارش صرف برتری دارد و دارای نوآوری و نکته های شگفت فراوانی است و نشان میدهد که چگونه گردشگری در انتقال دانش ها و آداب و عقائد به مراکز علمی نقش داشته و زمینه و موضوع مباحث جدید را فراهم میساخته است.

در این مقاله پیش از «دیگر آثار»، پرداخت به «سفرنامه ها»، را در دستور واکاوی قرار خواهیم داد. به صورت اجمالی اشاره میشود که این دسته از آثار گردشگران مسلمان در سه عنوان قابل استخراج و ارائه میباشد:

1. کتابهای جغرافیا.

2. کتابهای تاریخ.

3. کتابهای آداب و عقائد.

لیکن چنانچه گفته شد به منظور خلاصه نگری و وفور مقاله های نگارش شده پیشین در این حوزه، صرفاً به عنوان سوم (آداب و عقائد) از دسته دوم در کنار گفتار «سفرنامه ها» از دسته اول، خواهیم پرداخت.

آداب و عقائد

از دیگر زمینه هایی که گردشگران مسلمان به آن توجه داشته اند بررسی آراء و عقاید و آداب جامعه ها بوده است. بیش تر گردشگران در هنگام سیاحت به این نکته ها توجه داشته اند و عقائد و رسوم مردم جاهای دیده شده را در کتاب های جغرافیا و تاریخ و یا سفرنامه های خویش نقل نموده اند و به جهت اهمیاتی که به این مهم داشته اند، گاهی گزارش هایی آورده اند که باور آن مشکل است. در مثل ابودلف در سفرنامه خود مطرح میکند: «در کرمانشاه، بعد از طرح نقشه ای، ساختمان کامل آن ظاهر

شد». (24) و ابن بطوطه از آداب و رسوم ویژه مریدان قطب الدین حیدر در تربت حیدریه سخن گفته است. (25) و ابن فضلان به بیان شیوه و آداب غذاخوری پادشاه بلغار پرداخته است. (26)

در جمع گردشگران مسلمان در بخش عقائد، میتوان از دانشمند بزرگ اسلامی ابوریحان بیرونی محمد بن احمد خوارزمی (440-444/362-1048/973 م.)، نام برد که با سفر به هند پژوهش‌های گسترده‌ای درباره عقائد هندیان داشته است که آن را در کتاب «تحقیق ماللهند» آورده است. در این کتاب پس از نگاه کوتاهی به زندگی هندویان، عقائد آنان را در گزاره‌های ذیل ارائه داده است.

1. اعتقاد هندیان به خداوند

2. اعتقاد هندیان به موجودات عقلی و حسی

3. سبب فصل و تعلق نفس به ماده

4. احوال ارواح پس از مرگ و رفت و آمد آنها به طور تناسخ در دنیا

5. ذکر مجامع و جایگاه‌های پادشاه اعمال از جنت و دوزخ

6. چگونگی رهایی از دنیا و نشان دادن راهی که ما را به این مقصود میرساند. (27)

بیرونی در آثار دیگر خود از جمله «آثار الباقیه» و... به عقائد و آداب ملتهای گوناگون پرداخته است.

بیرونی در منطقه خوارزم در شهر «کاث» به دنیا آمد و بعد از حوادثی که در منطقه وی رخداد، به خراسان روی آورد و از آن جا به طبرستان رفت و از آن جا به گرگان. آثارالباقیه را در سال 391/1001 م. در گرگان نگاشت، سپس به میهن خود بازگشت. آن گاه به دربار غزنویان به «غزنین» رفت و در 416/1025 م. سال فتح سومنات به دیار هند رفت و زبان سانسکریت آموخت و سپس تحقیقات خود را درباره هند منتشر ساخت. (28)

شماری از دانشمندان نیز، در هنگام گردش به خاطر نیازی که در سرزمین‌ها و اماکن گوناگون

احساس میکردند، به نگارش کتاب های عقیدتی پرداخته و از عقائد خویش دفاع میکردند.

تجريد الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسي (م 672هـ/1274م.) چنین است که دانشمندان شیعه و اهل سنت بر آن شرح و حاشیه نوشته اند.

علامه حلی (726هـ/1326م.) از دیگر دانشمندان شیعه است که سفرهایی به جای های گوناگون ایران داشته است. علامه کتاب «كشف اليقين في فضائل امير المؤمنين(ع)» را در شهر سلطانیه برای سلطان محمدخدا بنده نگاشت (29) و رساله «سعدیه» را، که خلاصه ای از اصول و فروع دین است، برای خواجه سعدالدین ساوجی وزیر غازان و خدا بنده. (30)

و شماری از رساله ها و کتابهای خود را در پاسخ به شبهه هایی نگاشت که به گونه طبیعی در طول سفر با آن روبه رو شده بود.

سفرنامه ها

تمام سفرنامه ها گزارش های جغرافیایی دارند و نویسندگان آنها، زمان رسیدن به شهرها را یاد میکنند و از آداب و رسوم مردم، بناهای دیده شده و... گزارش میدهند؛ اما در کتابهای جغرافیا که بر اساس گردشگری نگارش یافته، نویسنده پس از عنوان شهر، به شرح آن میپردازند و فاصله آن را با شهرهای دیگر گزارش میدهد. از آن جا که گردشگران مسلمان بسیاری و سفرنامه های فراوانی به جای گذاشته اند ناگزیر، به شماری از آنها اشاره میکنیم و فقط در مواردی به شرح بیش تر میپردازیم.

1. سفرنامه احمد ابن فضلان: وی در زمان المقتدر بالله به منطقه بلغار رفت. آغاز سفر او صفر سال 309هـ/921م. بوده و در 12 محرم 310هـ/922. به نزد پادشاه بلغار می رسد. این سفرنامه در مجموعه ای از کتابهای خطی آستان قدس رضوی شناخته شد و پس از انتشار سید ابوالفضل طباطبایی آن را ترجمه کرده و این ترجمه تاکنون دوبار انتشار یافته است.

2. سفرنامه ابودلف، مسعر بن مهلهل خزرجی ینبوعی: وی در مدینه متولد شد و در سالهای 301-331هـ/913-942م. در دربار شاهزاده سامانی، ناصر بن احمد بن اسماعیل به سر برد و در سال

331هـ/942م. به هند سفر و از کشمیر، کابل، سیستان و مالابار و در سال های 331 تا 343هـ/964-942م. از شهرهای مختلف ایران دیدن کرد. (31) سفرنامه وی وجود دارد. او آنچه نزد عوام شهرت داشته در سفرنامه خود آورده است.

3. سفرنامه ابوالقاسم محمدبن حوقل نویسنده کتاب صورة الارض: این اثر به گونه کتاب های مسالک و ممالک است سفرهای وی نزدیک به سی سال طول کشید. او سفر خود را از مدینه السلام بغداد در روز پنجشنبه هفتم رمضان 331هـ/943م. آغاز کرد و در تمام دنیای اسلام به گردش پرداخت و به تعبیر خودش برای هر منطقه ای تصویر و شکلی قرارداد که موضع و جایگاه آن مشخص باشد. (32) وی در سال 340هـ/951م. اصطخری صاحب المسالک الممالک را ملاقات کرده است. زمان نگارش کتابش را سال 367هـ/977م. دانسته اند. (33)

4. سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروز (481-394هـ/1088-1004م.): این اثر از مشهورترین سفرنامه ها به زبان فارسی است. ناصر خسرو سفر خود را در 23 شعبان 437هـ/1045م. از مرو به جانب سرخس آغاز کرد و در روز سه شنبه 26 جمادی الاخری سال 444هـ/1052م. به مدت شش سال و هفت ماه و 22 روز به پایان برد. از شهرهای ایران، مصر، سوریه، مکه و مدینه، بیت المقدس (34) و دیگر مناطق اسلامی دیدن کرد و گزارش های مفیدی از این دیدارهای خود به جای گذاشت.

5. سفرنامه ابوالفتح کراچکی (م 449هـ/1057م.) صاحب کنزالفوائد: وی گزارشهای متفرقی از آن در کتاب خویش: کنزالفوائد داده که در مقدمه آن اشارت رفته است. ابن ابی طلی حلبی، در شرح حال حسن بن بشر بن علی بن بشر طرابلسی به آن اشاره کرده است. (35)

5. سفرنامه ابراهیم بن یعقوب طرطوشی (م: 478هـ/1085م.): سفرنامه وی «الاخبار المستقاة» نام دارد و به فرانسه و آلمان سفر کرده و قزوینی از کتاب وی گزارش داده است. (36)

6. سفرنامه ابوالقاسم، احمد بن سلیمان بن خلف تحبیبی اندلسی (493هـ/1100م.). (37)

7. سفرنامه محمد بن رشد مالکی (520 595هـ/1200م.). (38)

8. سفرنامه ابن جبر ابوالحسن محمد بن جبراندلسی (614-540هـ/1218-1145م.) که در تاریخ 578هـ/1183م. نگاشته شده و به تازگی ترجمه آن را آستان قدس رضوی منتشر کرده است.

9. سفرنامه محمد بن علي بن محمد انصاري به نام «عيون الاخبار» وي در اين اثر، سفر خود را به سراسر سوريه، فلسطين و مصر در سالهاي 585 هـ/1142م. شرح کرده است. (39) وي در اسيوط مصر به مدت بيست سال قاضي بود و در سال 600 هـ/1204م. در همان جا درگذشت. (40)

10. سفرنامه شيخ ابوالحسن علي بن ابي بکر هروي به نام «الاشارات الي معرفة الزيارات». اين کتاب گزارش مختصري است از مکان هاي زيارتي که شيخ هروي بازديد کرده و اظهار مي دارد که بسياري از آنچه که گذشتگان گفته اند از بين رفته است. او به شهرهاي شام، عراق، خراسان، مغرب، يمن و شهرهاي فرنگ و مصر و روم سفر کرده است. پادشاه فرنگ از او خواسته که در ديار وي بماند، ولي شيخ هروي نپذيرفته است او از زاهداني است که بدون سرمايه و زاد و توشه به سياحت پرداخته است و در سال 611 هـ/1215م. چشم از جهان فرو بسته است. (41)

11. سفرنامه نباتي (42) (م: 636 هـ/1239م.).

12. سفرنامه ابومحمد عبدري (م: 688 هـ/1289م.) اهل والنسيا که از سفر خود به سراسر آفريقاي شمالي گزارشي نوشته است. او در سفر زيارتي خود به مکه و در بازگشت از اين مسير در گذشته است. (43)

13. سفرنامه هاي طيبي (44) (م: 698 هـ/1299م.).

14. سفرنامه تجاني (45) (م 708 هـ/1308م.).

15. سفرنامه محمد بن عمر بن محمد بن رشيد فهري سبتي اديسي (721-657 هـ/1259-1321م.) وي در سبته چشم به جهان گشود. (46) وواعظ مسجد اعظم غرناطه بود. وي در سال 683 هـ/1283م. سفري به مصر و شام و حرمين شريفين داشت و سفرنامه خود را «ملء العيبة فيما جمع بطول الغيبة في الرحلة الي مكة وطيبة» نام نهاد. (47) اين کتاب در شش جلد تنظيم شده بود که اين حجر به آن دست يافته و از آن بهره برده است.

16. سفرنامه شرف الدين ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهيم لواتي طنجي، معروف به ابن بطوطه (777-703 هـ/1376-1303م.) با نام «تحفة النظار في غرائب الامصار و عجائب الاسفار» از سفرنامه هاي معروف و مفصلي است که گزارش هايي درباره جهان دارد. او، سفر خود را در روز پنجشنبه دوم رجب 725 هـ/چهارم ژوئن 1325م. در بيست و دوسالگي از طنجه در مراکش آغاز کرد (48) و اين سفر حدود سي سال

17. سفرنامه عبدالرحمن ابن خلدون (م: 808/هـ 1405م) صاحب مقدمه والعبیر، از اندلس تا سمرقند بوده است. (50)

18. سفرنامه تقی الدین ابوعمر عثمان بن عبدالرحمن معروف به ابن الصلاح شهرزوری (م: 843/هـ 1440م.) که به شرق سفر نموده و در آن نکته های مهم و سودمندی است. (51)

19. عبدالرزاق کمال الدین بن اسحاق سمرقند (887-816/هـ 1482-1413م.) در هرات به دنیا آمد و در همان جا درگذشت. وی به عنوان سفیر به هندوستان رفت و پس از سه سال اقامت در شرق، کتاب «مطلع السعدین و مجمع البحرين» را نگاشت و در آن یافته های سفر خویش را گزارش داد. (52)

20. سفرنامه جلال الدین سیوطی (م: 901/هـ 1496م.) به فیوم، مکه و دمیاطه. (53)

21. سفرنامه بدرالدین محمد بن رضی الدین غزی (م: 984/هـ 1576م.) به منطقه روم که تقی الدین سبکی در طبقاتش از آن بسیار نقل میکند. (54)

سفرنامه های عصر صفوی

با تشکیل دولت صفویه (1148-907/هـ 1736-1502م.) ورود گردشگران فرنگی به حوزه جهان اسلام فراوان شد؛ چرا که غرب به پیشرفتهایی دست یافته بود و دنبال منابع درآمد میگشت. در این روزگار مسلمانان نیز سفرهای گوناگونی را به دیگر مناطق اسلامی داشته اند. ویژگی سفرنامه ها این دوران محدود بودن آنها به حج و یا برخی سرزمینهای اسلامی است. با تشکیل حکومتی شیعی در ایران علمای جبل عامل به این کشور هجرت کرده و گروهی از آنان سفرنامه هایی در این باره نگاشته اند. دیگر سفرنامه مربوط به سفر به هند، مکه و مدینه است و از آن جا که از این زمان به بعد، سفرنامه ها زیاد شده فقط به برخی از آنها اشاره میشود:

22. سفرنامه شیخ عزالدین حسین بن عبد الصمد الحارثی (م: 984/هـ 1576) پدر شیخ بهائی که از جبل عامل به ایران آمده و مدتی قاضی شهر هرات بوده و در هجر بحرین از دنیا رفته است. (55)

23. سفرنامه شیخ محمد بن علی بن محمد حرعالمی عموی صاحب وسائل که در سال 1081هـ/1670م. در گذشته است. (56)

24. سفرنامه سید علیخان مدنی شیرازی (م: 1120هـ/1707م) صاحب ریاض السالکین شرح صحیفه سجادیه که در سال 1075هـ/1761م. آن را نگاشته و گزارشهای سفر خود را به هند همراه با نکته های ادبی ارائه کرده است، به نام: «سلوة الغرب و اسوة الادیب». (57)

25. سفرنامه میرعبدالطیف خان شوشتری از 1190 تا 1216هـ/1801-1776م. به نام «تحفة العام» که گزارش هایی از نواحی جنوبی ایران، شوش، عراق و هند آورده است.

سفرنامه های شعری

از قرن دهم به بعد شیوه خاصی در نگارش سفرنامه ها رایج گردید. شماری از کسانی که به گردشگری پرداخته بودند، شرح سفر خویش را در شعر ارائه دادند که به نمونه هایی از آن اشاره میکنیم.

1. شیخ نجیب الدین علی بن محمد بن مکی، شاگرد صاحب معالم (م: 1011هـ/1603م.) و شارح اثنی عشریه. وی در هنگام سفر به شهرهای یمن، حجاز، ایران، هندو عراق، خاطرات خویش را در قالب شعر میسروده که اشعار سفرنامه او به حدود 2500 بیت میرسد. (58)

2. رحلة الشتاء والصیف، عنوان سفرنامه سید مهدی بن علی بحرانی (م: 1243هـ/1827م.) به کاظمین است که آن را به نظم درآورده است. او سه سفرنامه دیگر نیز دارد:

الف. سفر به ناجیه

ب. سفر به حیره

ج. سفر به کوفه

3. سفرنامه حبیب بن طالب بغدادی، ساکن جبل عامل که طی اشعاری در سال 1263هـ/1847م. نگاشته است. (59)

4. سفرنامه حج فقيه دانشمند حاج محمدبن حسن بن حاج محمد صالح (م: 1336هـ/1918م.) در هزار بیت. (60)

سفرنامه هاي زيادي از دوران قاجار به شهرهاي فرنگ به جاي مانده كه ياد كرد آنها را لازم نمي دانيم.

غرب رفتگان عصر صفوي

بيش تر سفرنامه هايي كه در عصر صفوي ياد كرده اند، از دانشمندان و علماء است كه سفرهاي محدود دي داشته اند. با توجه به اين كه در آن زمان بسياري از گردشگران غربي به ايران ميآمدند كه برابر گزارشي از 147 سفرنامه گردشگران فرانسوي در نيمه دوم سده هفده پنجاه و دو دوره آن درباره ايران بوده (61). گزارش كم تري از سفر گردشگران ايراني به غرب ديده ميشود. آيا ارتباط بين ايران و اروپا در عصر صفوي يك سويه بوده است؟ آيا كساني كه در سفرهاي رسمي شركت ميكردند گزارشي از سفر خود ارائه نكرده اند؟ متاسفانه بايد پذيرفت از گزارش سفرهاي نمايندگان دولت ايران به غرب كه شامل هلند، آلمان، انگليس، پرتغال و حتي روسيه ميشود، گزارش هاي پراكنده اي در دست است و برابر نظر شماري از صاحب نظران، سفرنامه اي وجود ندارد به دو علت:

1. شماري از كساني كه به دنياي غرب و اروپا گام نهاده اند و ميتوانسته اند با گزارش پيشرفت هاي اروپا مردم ايران را از آن آگاه كنند، پس از بازگشت به ايران دچار مرگ ناگهاني شدند؛ زيرا از نظر دستگاه حكومتي مأموريت خويش را به درستي انجام نداده بودند. از جمله دنگيتريك روملو بود كه در سال 1021هـ/1612م. به دربار فيليپ سوم پادشاه اسپانيا و پرتغال رفته بود. به محض ورود به ايران به فرمان شاه عباس مثله و به دار آويخته شد. و نقدعلي بيك كه در سال 1036هـ/1629م. به دربار انگلستان رفته بود، از ترس كيفر شاه در مسير ازگشت خودكشي كرد و شاه عباس از اين كار او خيلي خوشحال شد و گفت اگر چنين نمي كرد:

«بدن او را به شمار روزهاي سال تكه تكه ميكردم و آن را در بازار ميسوزاندم.» (62)

از اين روي، به نظر ميرسد در زمان ارتباط گسترده ايران با دنياي غرب، شاهان مستبد با سفيران خود به شايستگي رفتار نمي كردند، تا كسي جرات كند و يا فرصت داشته باشد سفرنامه بنويسد و اوضاع آن مناطق را گزارش دهد.

2. شماری از ماموران ایران، در روزگار صفوی پس از سفر به اروپا، دین خود را تغییر میدادند و از بازگشت به ایران خودداری میورزیدند، از جمله: امامقلی سلطان حق وردی و اوروج بیک بیات به سال 1011/1602م. در اسپانیا دست از عقائد تشیع خود برداشت و کیش کاتولیک را انتخاب کرد. از وی گزارشهایی درباره سفرش به اروپا به جای مانده که به نام پادشاه اسپانیا نگاشته است. (63)

به نظر میرسد این دو عامل که دور نیست با توطئه پنهانی ماموران غربی بوده، در ناکامی این سفرها مؤثر بوده است.

لازم به یادآوری است که شماری از مسیحیان نیز، در آن زمان در ایران مسلمان شدند. (64)

گردشگران غرب

در آن زمان که تمدن اسلام شکوفا و پررونق بود گزارشی از گردشگران غرب در محدوده جهان اسلام ثبت نشده است؛ زیرا غربیان در دوران توحش قرون وسطایی به سر میبردند و دانشمندان غیرمسلمانی که در محدوده امپراتوری اسلامی بودند، جذب دستگاه خلافت و حکومت میشدند. بسیاری از شخصیتها و خاندانهای مؤثر و دارای موقعیت در اسلام، سابقه علمی غیر اسلامی دارند. گروهی از آنان پس از ورود به حوزه خلافت اسلامی مسلمان میشدند و یا فرزندان آنان اسلام را انتخاب میکردند. خاندان برامکه، پدر ابن خردادبه، خاندان نوبخت و خاندانهای با نفوذ دیگر از جمله اینان بودند. حتی افرادی مانند ابن مقفع که به نظر میرسد اسلام را نیز نپذیرفته بودند، در دارالترجمه خلافت به کار میپرداختند و اشخاصی مانند ابن میمون که یهودی بود، تمام کتابهای خویش را به عربی نگاشت و جزو دانشمندان جهان اسلام به شمار میآید. (65)

و این نشانه عظمت تمدن است که میتواند نیروهای گوناگون را با عقائد مختلف جذب کند. از این روست که ما تا قرن ششم هجری گزارشی دقیق از گردشگران غربی در حوزه اسلام نمی یابیم، گرچه به نظرمی رسد افرادی از کشورهای غیرمسلمان اروپا به اندلس سفرکرده و به سیر و سیاحت میپرداخته اند. سفر گردشگران اروپایی غیرمسلمان به سرزمینهای اسلامی در آغاز جنبه پژوهشی داشته است و افراد به خاطر آگاهی از وضعیت اقلیتهای مذهبی و مراکز مربوط به آنها به گردشگری در دنیای اسلام پرداخته اند؛ اما به مرور که دنیای غرب رو به رشد علمی و اقتصادی نهاد و جهان اسلام به رکود گرایید، با هجوم گردشگران غربی به جهان اسلام روبه رو میشویم.

هدف‌های گردشگران غرب

گردشگران غرب، به ظاهر هدف خود را دیدار از کشورهای معرفی می‌کردند که دارای سابقه تمدن کهن هستند و اظهار می‌کردند که می‌خواهند با دانش، فرهنگ و آداب این ملل متمدن آشنا شوند؛ اما در واقع هدف‌ها و انگیزه‌های دیگری را نیز دنبال می‌کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

1. تبلیغات مذهبی.

2. بهره‌وری سیاسی.

3. کسب منافع تجاری و امتیازات اقتصادی.

4. فراهم آوردن زمینه لازم اجتماعی و سیاسی برای صدور فرهنگ و کالاهای خود. (66)

برای آگاهی از انگیزه‌های مذهبی آنان توجه به این نکته کافی است که نخستین دستگاه چاپ که به سال 1048هـ/1638م. به ایران آورده شد، از آن ارامنه بود و نخستین کتابی که چاپ کردند، کتاب مقدسی از آنان بود. (67) یعنی دنیای مسیحیت برای پیشرفت کار خویش از ابزار پیشرفته سود می‌بردند. در حالی که نخستین چاپخانه دولتی ایران پس از سال 1234هـ/1819م. توسط میرزا صالح در تبریز به کار گرفته شد. (68)

باید توجه داشت که مأموریت گردشگران غربی ویژه موارد بالا نبود بلکه در موارد بسیاری آنها به خاطر مأموریت‌های ویژه به کشورهای اسلامی سفر می‌کردند. ایجاد مذهب وهابیت در میان اهل سنت و بهائیت در بین شیعیان از این گونه است.

گروه‌های گردشگر غربی

از هدف‌های آنان که بگذریم، سفر اروپاییان به جهان اسلام، به دلایلها و علاقه‌های گوناگون و در شکل‌های جورواجور انجام میپذیرفت.

1. تجار: شماری از گردشگران تجار بودند، از این روی مخارج سفر، کارهای دستی و کالا برای آنان اهمیت بیش‌تر داشته و در گزارش‌های خویش توجه به مسائل اقتصادی داشته‌اند. گروهی از این تاجران، توجه ویژه‌ای به اقلیت‌های مذهبی در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی داشته و آمار دقیقی از آنها ارائه داده‌اند.

2. فرستادگان رسمی: توجه و دقت این گروه بیش‌تر به تشریفات رسمی بوده است و درباره شهرسازی، شرایط سفر و آداب و رسوم کشور مطالبی نگاشته‌اند و گاهی، با آنچه در کشور خود دیده بودند، مقایسه می‌کنند. گردشگران آلمانی از این دسته‌اند.

3. نجبا و دانشمندان: اینان به‌خاطر ماجراجویی، تفریح و یا تحقیق، به شرق مسافرت می‌کردند. بیش‌تر گزارش‌ها و آگاهی‌های جغرافیایی، علوم تاریخی، هنر، تشریح رسوم و مذاهب و قبایل و زبان ایران در عصر صفوی و زمان‌های دیگر از تلاش اینان سرچشمه می‌گیرد.

4. هیأت‌های مذهبی: شماری از گردشگران را هیأت‌های مذهبی تشکیل می‌دادند که نوشته‌های آنها درباره تجارت، ساختار اقتصادی کشور و مذاهب سرزمین اسلام است و بررسی‌ای که برای گسترش تلاش‌های آنها لازم است.

5. نیروهای متخصص: شماری از گردشگران را نیروهای متخصص و گاه آشنا به امور نظامی تشکیل می‌دادند. همین تخصص‌ها آنها را به قلب‌دربارها می‌برد و دور نیست که این دسته هدف‌های سیاسی پنهانی نیز در سر داشتند.

اینک به گزارشی از سفر گردشگران غرب به جهان اسلام و بویژه ایران می‌پردازیم، تا سیر فراز و فرود گردشگری و رمز آن نیز که در پیوند با تمدن و پیشرفت است، روشن گردد و با توجه به این که منابع ما بیش‌تر مربوط به ایران است، نام کسانی آورده می‌شود که به ایران آمده‌اند و ممکن است گردشگری در دیگر مناطق اسلامی نیز داشته باشند.

نخستین گردشگران غربی که در دوران تمدن اسلامی، به ایران و کشورهای اسلامی سفر کرده، بنیامین بن جناح، از اهالی تودلای اسپانیاست. وی در بین سالهای 560 تا 569 هـ/1165-1174 م. در شرق به سیر و سیاحت پرداخته است. او، مردی تاجر پیشه از یهودان اندلس بوده است. او دوست داشته در شهرهای عالم سیر کند و در هر شهری با برادران یهودی خود و اوضاع آنان آشنا گردد. بنیامین سفر خود را از بارسلون آغاز کرده و عراق را در زمان خلیفه عباسی المستنجد بالله (خلافت 566-555 هـ/1160-1170 م.) دیده بوده است جالب این است در گزارشی که از قدس دارد، تنها یک یهودی در آن شهر سکونت داشته است. (69)

دیدار او از ایران به روزگار حکومت سلجوقیان بوده است او ضمن دیدار با جوامع کلیمی به کار تجارت نیز، میپرداخته است. بنیامین پس از دیدار از شوش و چند شهر دیگر در غرب ایران، به هندوستان می‌رود. او نخستین گردشگر غربی است که بعد از دوران باستان درباره منطقه خلیج فارس مطالبی از خود به جای گذاشته است. بنیامین درباره شهر همدان و معبدی که در آن استر و مردخای مدفون است، توضیحاتی ارائه داده است. (70)

در ردیف وی میتوان از خاخام موسی پتاجیاد، یاد کنیم که در فاصله سالهای 582-576 هـ/1181-1187 م. از زادگاه خود شهر پراگ چکسلواکی، سفر را آغاز کرده و از راه لهستان و روسیه به غرب ایران سفر آمده و درباره آرامگاه حضرت دانیال نبی و شوش گزارشی ارائه کرده است. (71)

گردشگران خارجی از قرن هفتم به بعد

حضور گردشگران غربی در منطقه اسلامی و ایران، گذشته از هدف های استعماری، به پیشینه تمدن کهن و اسلامی بستگی دارد. در این جا مناسب است فهرست مختصری از گردشگرانی که در قرن هفتم تا قرن دوازدهم به ایران آمده اند ارائه دهیم تا کسانی که بخواهند در این برهه تاریخی به تحقیق بیش تر بپردازند به آن مراجعه کنند.

1. مارکوپولو، گردشگر و جهانگرد معروف ونیزی در سال 669 هـ/1271 م. با پدر و عموی خود از

شهرهای ایران مانند تبریز، سلطانیه، ساوه و کاشان دیدن کرده است. (72)

2. حیوانی دمونته کورنیو، در سالهای 692-688ه/1289-1293م. مقارن با آخرین سالهای سلطنت ارغون به ایران آمده است.

3. ایکولده دامونته کروچه، قبل از سال 690ه/1291م. به سفر پرداخته است.

4. او دوریکو داپور دنون، مابین سالهای 718-716ه/1318-1316م. به روزگار فرمانروایی سلطان ابوسعید خان بهادر، آخرین فرمانروای سلسله ایلخانان بزرگ مغول به ایران سفر داشته است.

5. فریرجوردا نوس، سیاح دیگری است که مابین سالهای 731-721ه/1331-1321م. به ایران سفر داشته است.

6. حیوانی دامار یونولی، نیز در فاصله سالهای 754-748ه/1353-1347م. در دوران حکومت ایلخانان کوچک از ایران دیدن کرده است. (73)

7. سفرنامه کلاویخو، سفیر پادشاه اسپانیا در دربار تیمور نوشته سال 809-806ه/1406-1403م. وی از اسپانیا به ایران آمده و از شمال غربی تا اقصی ناحیه شمال شرقی ایران را پیموده و از اوضاع اجتماعی، اداری و سیاسی ایران را در دوران تیمور گزارش داده است. (74) این سفرنامه، توسط مسعود رجب نیا، ترجمه شده است.

8. سفرنامه آمبروسیو کنتارینی که از سوی دولت ایتالیا و در جهت خدمت به مسیحیت و پیشرفت آن به دربار اوزن حسن، از پادشاهان آق قویونلو میآید و او را تشویق میکند با دولت عثمانی بجنگد و پس از آن ایران را ترک میکند و گزارش سفر خود را که از 1473 تا 1477م/877 تا 881ه. طول کشیده است در سفرنامه خود میآورد. (75)

9. سفرنامه ونیزیان در ایران، نوشته پنج سوداگر ونیزی در زمان آق قویونلوها (اوزن حسن)، ترجمه منوچهر امیری.

عصر صفویه دوران درخشانی از تمدن اسلامی، پس از حمله مغول است. آثار به جای مانده از آن زمان بسیار است، و با این که برخی از آثار دوران صفویه را کارگزاران ناشایست قاجار از بین بردند. آوازه امپراتوری دولت ایران، و مقابله آن با دولت عثمانی سبب شد که دولت های اروپایی به آن توجه خاص داشته باشند و بیش تر دولت های مطرح اروپا، سفیر و یا نماینده به ایران اعزام کنند و گروهی نیز برای تجارت، که در آن زمان در ایران رونق داشت، به این کشور سفر کرده اند. و بیش ترین سفرهای اروپاییان مربوط به این عصر است که از دوران طلایی تمدن اسلامی است. البته شماری از اینان که سفرنامه نگاشته اند سفیر و یا مبلغ مذهبی بوده اند:

1. وینچنتود الساندري: از فرستادگان ونیزی بود که در سالهای 977-982ه/ 1571-1574م. در ایران به سر میبرده است گزارش او شرح کاملی از دربار شاه طهماسب اول است. اطلاعات جالبی درباره نواحی و ممالک ایران، محصولات، خلق و خوی مردم، شخص شاه، وضع حکومت و دربار، چگونگی آداب و عادات و رسوم حاکم بر ایران، شیوه اداره دستگاه دادگستری و حکومت ایران در اختیار میگذارد.

2. ژرژتکناندرفن گابل: شاه عباس کبیر در سال 1007ه/ 1599م. آنتونی شرلی را همراه با یکی از درباریان خود به نام حسینعلی بیک به سفارتی مامور کرد.

تکناندر در گزارش خود ضمن توصیف مراسم بارعام و تشریفات دربار، به ذکر انگیزه های دشمنی ایران با ترکان میپردازد.

3. سفرنامه پیترو دلواله: وی از 4 ژانویه 1617 تا ژانویه 1623م/ 1026 1032ه. در ایران بوده است و پس از آن به هند میرود و در سال 1035ه/ 1626م. به ایتالیا باز میگردد.

4. دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا: به عنوان سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا در سال 1598 / 1621م. به دربار شاه عباس اول آمده و اقامت او در دربار ایران دو سال به درازا کشیده است.

5. آدام اولناریوس: در سال 1053ه/ 1643م. از هامبورگ حرکت میکند و بعد از سفر به روسیه به ایران میآید دفتر چهارم سفرنامه وی مربوط به ایران است.

6. ژان شاردن: گردشگران فرانسوی است که در سال 1075ه/1664م. گذری به ایران داشته و در زمان شاه عباس دوم به ایران آمده و شش سال در اصفهان مانده و به سال 1670م/1081ه. به پاریس بازگشته است. سپس با جواهرات گرانبها به اصفهان آمده و سه سال اقامت گزیده و سال 1088ه/1677م. به اروپا بازگشته است. ترجمه جدیدی از سفرنامه وی توسط اقبال یغمائی انجام گرفته است.

7. ژان باتیست تاورنیه: از بزرگترین سیاحان قرن هفدهم میلادی است. وی بین سالهای 1079-1041ه/1668-1634م. شش سفر به مشرق داشته و در تمام آنها به ایران سفر نموده است.

8. انگلبرت کمپفر: پزشک و دانشمندی بوده که با فرستادگان سوتوی در سال 1683م. عازم دربار شاه سلیمان شده است. هیأت همراه او در 29 مارس 1984م/1085ه. به اصفهان رسیده اند. این سفرنامه توسط کیکاووس جهانداری ترجمه شده است.

9. سفرنامه سانسون: وی مبلغی مسیحی بوده که در زمان شاه سلیمان صفوی حکومت (1105-1077ه/1694-1666م.) برای ترویج دین مسیح به ایران آمده است. او، به اقتضاء شغلش گزارشهای جالبی از موقعیت و مناصب روحانیون ایران ارائه داده است. گفتنی است در این مقطع زمانی و پس از آن حضور سیاحان اروپائی که برخی افسر نیز بوده اند، بیش تر میشود که گزارش آن از محدوده این مقال خارج است.

جمع بندی؛ باید ها و نبایدها

از آنچه گذشت نتیجه ها و فایده های گوناگونی در قالب باید ها و نبایدها به دست می آید که قابل ارائه است:

1. پیوندی ژرف میان تمدن و گردشگری است. گردشگری را میتوان از شاخصه های توسعه و تمدن دانست. کشورهایی که از رشد بالایی برخوردارند، گردشگران بیش تری دارند و ملتی که در ضعف و فقر به سر میبرد گردشگران کم تری دارد. لذا توجه به بایسته های گردشگری اسلامی ضمن احیای تمدن نوین اسلامی کارکرد اقتصادی خواهد داشت.

2. گردشگری نقش زیادی در انتقال دانش ها و فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی دارد. چنانچه ملتی خودباخته باشد، از فرهنگ بیگانگان متاثر میشود؛ اما اگر خود از فرهنگ پرمایه و سرشاری برخوردار باشد و به خودباوری رسیده باشد، میتواند دیگران را تحت تاثیر قرار دهد. لذا فرهنگ غنی و تمدن نوین ذاتی اسلام ناب محمدی(ص) میتواند تأثیرگذار جهانی باشد.

3. لازمه رشد صنعت گردشگری در کشورهایی که جاذبه های سیاحتی دارند، ثبات و امنیت است. برای جذب گردشگر، لازم است بستری آرام و مطمئن فراهم شود و بر آن تاکید و تبلیغ گردد. دیده شد که در دوران ناامنی، گردشگران کمتری به مقاصد مربوطه سفر کرده اند. در این راستا هم افزایش امنیتی بین کشورهای اسلامی به منظور توسعه گردشگری اسلامی بیش از پیش ضرورت میابد.

4. گردشگران مسلمان، به طور کلی در سفرهای خود انگیزه های مثبت داشته اند و برای کسب دانش و تعالی آن تلاش میورزیده اند. در برابر شماری از گردشگران غرب هدفهای سیاسی را دنبال میکرده اند و در جهت ایجاد اختلاف و تفرقه میان مسلمانان تلاش داشته اند؛ از این روی، امروزه نباید از هدفهای سیاسی آنان غافل بود. این امر در سایه وحدت مسلمین در قالب نظام نامه ها و راهبرهای مشترک میتواند به عامل توسعه و احیای گردشگری اسلامی با حفظ هویت های سیاسی بیانجامد.

5. فقیهان و دانشمندانی که به گردشگری پرداخته اند، دیدگاه های آنان از ژرفا و پختگی بیش تری برخوردار است و با شبهه های مخالفان و پاسخ آنها آشنایی بیش تری دارند. ضرورت این امر برای اهل دانش و معرفت در سطح های آکادمیک و حوزوی روشن و پرواضح است؛ لذا نیازمند کاربردی سازی است.

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد روشن شود که تا چه اندازه گردشگری اسلامی و مؤلفه های آن در ایجاد تمدن نوین اسلامی اهمیت دارد. بدیهی است گردشگری صرف، هدف و مقصود نیست، بلکه وسیله و راهبرد است؛ از این رو باید فضای گفتمانی و ترویجی برای اشاعه ی آن در جامعه هدف مهیا شود و علاوه بر اندیشمندان، دولتمردان اسلامی نیز برای تحقق آن در سطح جوامع بکوشند. بنا براین گردشگری در تمدن اسلامی تجلی آیات و در عرصه عملی جهت ساز زندگی انسان بود اما امروزه چنین دیدی از گردشگری بنا به تقلید از مبانی نظری غرب و «فقدان اهتمام مسلمانان در تدوین مکتب نظری گردشگری اسلامی» دچار دگرگونی و تحول

شده است. به عبارت گویاتر، فقدان نظام نامه نظری یا راهبرد آفرینی گردشگری در تمدن اسلامی و غرب زندگی گردشگری ما ظرف یکصد سال گذشته، گردشگری را از هویت معنایی و معنوی خویش دور ساخته و گاه به ضد آن تبدیل کرده است. باید اقرار کنیم همچنان که در علوم، نظام آموزشی خویش را به تقلید از غربیان آراستیم در گردشگری نیز در جنبه همان نظام افتادیم و گردشگری اسلامی مغفول ماند.

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در نطق اندیشمندانه خود در جمع حضار کنگره عظیم حج عنوان کردند: تمدن نوین اسلامی در راه است... به هر تقدیر، ان شاء الله شاهد تحقق وعده الهی و تشکیل تمدن نوین اسلامی در سراسر دنیا خواهیم بود: «من با اطمینان کامل میگویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (76)

بدیهی است برای انجام هر کار، باید اول باور پیدا کنیم که این کار میتواند انجام شود. لذا باورداشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت جاده را برای راه حل های خلاق و کاربردی هموار میسازد.

از این روی باور اینکه میتوان تمدن نوینی در جهان اسلام بر پایه ی گردشگری اسلامی و مذهبی ایجاد نمود مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد ساخت. اهالی فن، کارشناسان، پژوهشگران و دست آخر مجریان و کارگزاران به ظرفیت عظیمی که در درون گردشگری اسلامی - اجتماعی امروز نهفته است، بپردازند. چرا که این ظرفیت در صورت جاری شدن در مسیر اصیل خود، فارغ از بسیاری مسائل ریز و درشت و پیچیده پیرامونی امروز، با یک روند شتابنده، شکوفایی تمدن نوین اسلامی را رقم خواهد زد؛ ان شاء الله.

1. «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری» آدم متز، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، 160/9، امیرکبیر، تهران.

2. «تاریخ تمدن»، ویل دورانت، ج 1/4، انتشارات علمی، فرهنگی، وی درباره وحدت مینویسد:

«شاید لازم باشد که در میان مردم در عقاید اساسی و ایمان به غیب و به چیزی که کمال مطلوب است وحدتی ایجاد شود، چه در این صورت پیروی از اصول اخلاقی از مرحله سنجش میان نفع و ضرر کار، تجاوز میکند و به مرحله عبادت در میآید.»

3. سوره «عنکبوت»، آیه 20؛ «روم»، آیه 42؛ «نحل»، آیه 36؛ «نمل»، آیه 69؛ «انعام»، آیه 11؛ «آل عمران»، آیه 137.

4. سوره «یوسف»، آیه 109؛ «روم»، آیه 9؛ «فاطر»، آیه 44؛ «غافر»، آیه 21، 82؛ «محمد»، آیه 10.

5. سوره «حج»، آیه 46.

6. سوره «آل عمران»، آیه 137.

7. «کشف الطنون»، ج 46/.

8. «مسالك و ممالك»، ابن خردادبه، ترجمه دکتر حسین قره چانلو 82/، نشر نو، تهران.

9. همان مدرک 139/.

10. «تاریخ تمدن» دکتر شریعتی، ج 1/56؛ مجموعه آثار 11/.

11. «دائرة المعارف بزرگ اسلامی» ج 4/5.

12. «نهاد آموزش اسلامي»، دکتر منیرالدین احمد، ترجمه محمد حسین ساکت 19/، آستان قدس رضوي.
13. مجله «پیام یونسکو» شماره 259/37.
14. «الذریعه»، آقا بزرگ تهراني، ج 10/165، دار الاضواء.
15. «معاني الاخبار»، شیخ صدوق 9/، مقدمه رباني شیرازي 19/ 25.
16. «دائرة المعارف بزرگ اسلامي»، ج 4/294 292.
17. «تاریخ التراث العربي»، فواد سزگین، ج 4 في العقائد والتصرف 137/، 138، کتابخانه آیت الله مرعشي، قم.
18. «سفرنامه ابن فضلان»، ترجمه سید ابوالفضل طباطبائي، چاپ دوم انتشارات شرق، تهران.
19. «معجم البلدان»، یاقوت حموي، ج 160/486، دار احیاء التراث العربي.
20. «دائرة المعارف بزرگ اسلامي»، ج 4/403.
21. مجله «نامه فرهنگ»، شماره 9/163، 166.
22. «نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازي غرب»، دکتر عبدالهادي حائري 164/، امیرکبیر، تهران.
23. «جهان اسلام»، مرتضي اسعدي، ج 1/285.
24. «سیري در سفرنامه ها» فواد فاروقي 23/، مؤسسه مطبوعاتي عطا ئي.
25. «سفرنامه ابن بطوطه»، ترجمه علي موحد، ج 1/441، مرکز انتشارات علمي و فرهنگي.

26. «سفرنامه ابن فضلان» 82/.

27. «تحقيق ماللهند»، ابوريحان بيروني، ترجمه قسمت فلسفه، اكبر دانا سرشت 7/، انتشارات ابن

سينا.

28. «دائرة المعارف تشيع»، ج 2/576؛ «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 42/.

29. «ارشادالاذهان» ج 1/99، مؤسسه نشر اسلامي، قم.

30. همان مدرک 92/.

31. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 36/.

32. «صورة الارض» ابوالقاسم بن حوقل نصيبي، 3/، دار صادر، بيروت.

33. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 38/.

34. «سفرنامه ناصر خسرو»، با تصحيح و تعليق دكتر محمد دبیرسیاقی/پا نژده، كتابفروشي زوار.

35. «الذريعة»، ج 10/165.

36. «دائرة المعارف الاسلاميه»، ج 7/22، 25.

37. «معجم المؤلفين»، عمر رضا كحاله، ج 1/237؛ «كشف الطنون» ج 1/836.

38. «كشف الطنون»، ج 1/835.

39. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 56/.

40. «معجم المؤلفين» ج 11/59.

41. «كشف الطنون» ج 1/96؛ «موسوعة العتبات» قسم المكة، ج 2/147، مؤسسه اعلمي بيروت؛ «دائرة المعارف الاسلاميه»، ج 7/30.
42. «دائرة المعارف الاسلاميه»، ج 7/30.
43. همان مدرک ج 30/.
44. همان مدرک ج 30/.
45. همان مدرک ج 30/.
46. «الاعلام» ، زرکلي، ج 6/314.
47. «كشف الطنون» ج 1/836.
48. «سفرنامه ابن بطوطه»، ترجمه، محمد علي موحد ج 1/6، سازمان انتشارات علمي و فرهنگي.
49. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 50/.
50. «كشف الطنون»، ج 1/835؛ «الذريعه»، ج 10/165.
51. «كشف الطنون»، ج 1/835.
52. «خدمات مسلمانان به جغرافيا» 61/.
53. «كشف الطنون»، ج 1/836؛ «الذريعه» ج 10/165.
54. همان مدرک.
55. «الذريعه» ج 10/167.

56. همان مدرک.

57. همان مدرک، ج 12/1224.

58. «الذریعه»، ج 10/167.

59. همان مدرک.

60. همان مدرک 170/.

61. «نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران...» 111/.

62. همان مدرک 159/.

63. «همان مدرک» 160/.

64. «سفرنامه شاردن»، ترجمه اقبال یغمائی، ج 2/619، انتشارات توس، تهران.

65. دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، ج 4/2.

66. «سیری در سفرنامه ها» 12/.

67. «نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران»، دکتر عبدالهادی حائری 150/، امیرکبیر.

68. همان مدرک 312/.

69. «موسوعة العتبات المقدسه»، جعفر خلیلی، ج 5/147، قسم القدس، ج 2.

70. «مساfran تاریخ»، مسعود نوربخش 59/؛ «فرهنگ معین»، ج 5/135، نشر جیران.

71. همان مدرک 59/.

72. «مساfran تاریخ» 87/؛ «فرهنگ معین» ج 5/358.

73. «مساfran تاریخ» 91/، 92، 93. چاپ دوم این کتاب با عنوان «با کاروان تاریخ» منتشر شده است.

74. «فرهنگ معین»، ج 5/767؛ ج 6/1586.

75. «سیری در سفرنامه ها» 36/.

76. «آیت الله» خامنه ای، سید علی، پیام به مناسبت کنگره عظیم حج در آذر ماه 1387، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله سید علی خامنه ای (ir.khamenei.www).

منابع

1. «قرآن کریم».

2. اباذری، یوسف و شریعتی، سارا و فرجی، مهدی (1390). فراروایت تمدن ها یا فرآیند تمدنها؟ خوتنشی از پروماتیک فرهنگ - تمدن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره 2.

3. جان احمدی، فاطمه، (1386). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: انتشارات معارف.

4. زمانی، مصطفی، (1348). اسلام و تمدن جدید، انتشارات علمیه قم.

5. غفوری، علی، (1381). تعریف فرهنگ و تمدن و اجزای متشکله آن، فصلنامه گفتمان، شماره 6.

6. پهلوان، چنگیز، (1388) فرهنگ و تمدن، نشر نی.

7. مددپور، محمد، (1377). زندگي در برزخ تمدن غربي و تمدن اسلامي، تهران، كتاب نقد.

8. جهان بين فرزاد، معيني پور مسعود، (1393)، فرآيند تحقق تمدن اسلامي از منظر حضرت آيت الله خامنه اي، فصلنامه علمي پژوهشي مطالعات انقلاب اسلامي.